

تحلیل نوع دوستی در نهج البلاغه و سیری علوی و تأثیر آن بر دستیابی به تمدن و جامعه اسلامی

اعظم ایرجی نیا^۱

فاطمه نادم^۲

چکیده

ارتقاء زندگی بشر مرهون تحقق اصول اخلاقی الهی با الگوگیری از سیره‌ی مردان الهی است، از این رو پرداختن به مسأله‌ی تمدن و جامعه اسلامی که مؤلفه‌های آن در ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه رابطه‌ی تنگاتنگی با مؤلفه‌های نوع دوستی دارد و در سیره‌ی امام علی (علیه السلام) به عنوان رهبر حکومت اسلامی انعکاس یافته است ضروری می‌نماید. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا مؤلفه‌های تمدن و جامعه اسلامی و نوع دوستی را در نهج البلاغه و سیره‌ی امام علی (علیه السلام) مورد پژوهش قرار دهد و نشان دهد که در سیره‌ی ایشان به هر دو مسأله‌ی تمدن و جامعه اسلامی و نوع دوستی اهتمام ورزیده شده است، تمدن و جامعه اسلامی مبتنی بر نوع دوستی بوده و در نوع دوستی نیز عامل مهم احساس مسئولیت موجب ترقی جوامع اسلامی می‌گردد. بر این اساس سیره‌ی این امام همام سبکی از زندگی اسلامی مبتنی بر احساس مسئولیت را ارائه می‌دهد که در آن، پیشرفت و شکوفایی جوامع انسانی با حفظ حقوق انسانی و اصول اخلاقی محقق می‌شود. سبک زندگی اسلامی نشأت گرفته از ولایت است که پیشرفت انسان در همه‌ی ابعاد را تضمین می‌نماید.

واژگان کلیدی: نوع دوستی، امام علی (ع)، نهج البلاغه، تمدن اسلامی، جامعه اسلامی

^۱ عضو هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) airajimia@um.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد fatemeh.57n@gmail.com

مقدمه

در جهان کنونی که ظلم و ستم، دنیا را فراگرفته است، عواطف انسانی رنگ‌باخته و بالا گرفتن اختلافات دولت‌ها، گسترش جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اخلاقی و روحی بیش‌ازپیش ظهور و بروز نموده است، ضرورت پرداختن به مساله‌ی نوع‌دوستی و دیگر خواهی، بیش‌ازپیش آشکار می‌شود.

فقر عاطفی که یکی از خصوصیات بارز تمدن عصر جدید است، باعث افزایش خشونت و گسترش جرم و جنایت در سطح اجتماعات و حتی در سطح جهانی شده است. قطع شدن پیوندهای دوستی، افزایش بی‌رحمی و قساوت، شیوع انواع بیماری‌های روانی و... از آثار و نتایج همین بحران است. (سادات، ۱۳۷۰، ص ۱۵) بی‌اعتنایی به سازندگی اخلاقی را نه تنها در جوامع شرق و غرب که از حاکمیت دین الهی در آن‌ها خبری نیست، به‌وضوح می‌توان دید، بلکه حتی در میان جوامع اسلامی نیز این مشکل تا حدی مشهود است و سبب شده است زندگی فردی و اجتماعی افراد، با انواع مشکلات و گرفتاری‌های طاقت‌فرسا روبه‌رو باشد، همه‌ی این مشکلات و نابسامانی‌های موجود در جوامع اسلامی و در روابط بین مسلمانان، ناشی از این است که اخلاق عالی اسلامی چنان‌که باید در جوامع اسلامی، منزلت و جایگاه خود را باز نیافته و هنوز، مسلمانان جهان آن‌را آن‌گونه که باید جدی نگرفته‌اند. برای کاهش این بحران، نوع‌دوستی و دیگر خواهی مؤثر است. اما متأسفانه در جهان امروزی نقش آن کمرنگ شده و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این مقاله، سعی بر آن است که ابتدا مفاهیم اصلی عنوان تعریف شود. مؤلفه‌های تمدن و جامعه اسلامی، ذکر شده و سپس نوع‌دوستی در سیره‌ی امام علی (ع)، بررسی شود و نمونه‌هایی از مصادیق آن در سیره‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را بیان نموده و در پایان تطبیق این مؤلفه‌ها و نقشی که نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری حاصل از آن در ایجاد و پیشرفت تمدن و جامعه اسلامی ایفا می‌کند مورد بررسی قرار گیرد. مفروض مقاله آن است که نوع‌دوستی با مؤلفه‌های تمدن و جامعه اسلامی مطابق با سیره‌ی امام رابطه‌ی تنگاتنگی دارد. در واقع سیره‌ی امام تمدن‌ساز است؛ زیرا نائل شدن به یک جامعه‌ی متمدن از طریق اصلاح انسان صورت می‌گیرد. بررسی سیره‌ی حضرت و اهتمام و الگوگیری از ایشان موجب می‌شود تا با پرورش احساس مسئولیت در انسان،

رشد و حرکت انسان در بارورسازی کمالات انسانی صورت گیرد و از آنجاکه جامعه از افراد تشکیل شده است از عملکرد مثبت آن‌ها که مبتنی بر نوع دوستی و احساس مسئولیت است تمدن واقعی تحقق یافته و زمینه‌ی رشد بیشتر را برای سایر انسان‌ها فراهم می‌سازد و این بالندگی در مسیر تمدن سازی جز با اهتمام به همیاری انسان‌ها با یکدیگر محقق نمی‌شود و لازمه‌ی این همیاری نیز تفحص در سیره‌ی انسان‌های مورد تأیید خداوند است که نقصی در عملکرد آن‌ها وجود ندارد. حاصل آن‌که احساس مسئولیت با اعتقاد به خداوند در قالب نوع دوستی، تمدنی اسلامی متناسب با شأن و کرامت انسانی پدیدار می‌سازد.

۱- پیشینه‌ی تحقیق

در مورد نوع دوستی پژوهش‌هایی صورت گرفته که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد؛

«بررسی تأثیر دین‌داری اسلامی بر شکل‌گیری فرهنگ نوع دوستی» (میرزاپوری، ۱۳۹۶) که نویسنده با بررسی میدانی و تحلیلی به فرهنگ مؤثر ارزش‌های انسان دوستانه، افزایش هنجارمندی، اعتماد اجتماعی، اثربخشی و مسئولیت‌پذیری نسبت به هم‌نوعان می‌پردازد. در واقع به چرایی و چگونگی تأثیرگذاری دینداری اسلامی بر شکل‌گیری فرهنگ نوع دوستی در جامعه می‌پردازد.

«مطالعه مؤلفه‌های هوش اخلاقی در پرتو اندیشه‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه» (فرهادی‌نژاد، ۱۳۹۷) پژوهشی دیگری است که مؤلفه‌های هوش اخلاقی را بیان، و آن‌ها را براساس قانون طلایی اخلاق - با دیگران چنان رفتار کن آن‌چنان‌که تو می‌خواهی با تو آن‌گونه رفتار کنند - تنظیم شده است.

مقاله‌ی «بررسی تحلیلی مبانی اسلامی نوع دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی» (رازقی و دیگران، ۱۳۹۵) به تبیین مفهوم نوع دوستی و رابطه‌ی آن با تعلیم و تربیت، معنویت و دین‌داری پرداخته است و در آن ابتدای نوع دوستی در اسلام بر انواع پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی را مورد بررسی قرار داده است.



مقالات پنجمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی آذر ۱۴۰۰



«نوع دوستی از دیدگاه اسلام» که به کاوش درباره‌ی نوع دوستی از منظر اسلام پرداخته است. (نوروزی، ۱۳۹۲)، در اثر دیگری مساله‌ی «نوع دوستی و ترویج آن در آموزه‌های اسلام» (احمدی، ۱۳۹۳) مورد بررسی قرار گرفته است.

در مورد الگو گیری از سیره ائمه اطهار در تمدن اسلامی اثری با عنوان «الگوی تمدنی اسلام در سیره نبوی با تکیه بر آیات قرآن کریم» (رضازاده جودی، ۱۳۹۴) موجود است که در آن به الگوی تمدنی پیامبر اکرم در گذار از جامعه‌ی جاهلی توسط تحول درونی انسان با اندیشه و اراده و تغییر سازوکار درونی انسان‌ها از طریق گزینش غایت‌هاست. نویسنده‌ی اثر فوق معتقد است اصل تسامح و تساهل عناصر تکمیل‌کننده‌ی الگوی تمدنی اسلام هستند و انسان را متحول و مسئولیت‌پذیر می‌سازد.

اما «تحلیل نوع دوستی در نهج البلاغه و سیره علوی و تأثیر آن بر دست‌یابی به تمدن و جامعه اسلامی» موضوعی است که این تحقیق به آن می‌پردازد و پیش‌از این پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است.

با نظر به این‌که حضرت علی (علیه السلام)، تجسم ارزش‌های دینی و اخلاقی است و ولایت ایشان بر بی‌نقص بودن اندیشه و رفتارشان بر سبک زندگی صحه می‌گذارد، نقش نوع دوستی و تأثیر آن بر فرهنگ و تمدن جامعه اسلامی را بر اساس نهج البلاغه و سیره‌ی علوی، مورد بررسی قرار دهد و به دنبال آن است که مؤلفه‌ی احساس مسئولیت را به‌عنوان اصل اساسی نوع دوستی معرفی کند و نشان دهد که در سیره‌ی امام این اصل منشأ صدور گفتار و اعمال بوده است و انسان با تأسی به این انسان کامل می‌تواند جامعه‌ی اسلامی متمدنی را فراهم سازد. از این رو جهت تحلیل رابطه‌ی نوع دوستی با تمدن و جامعه اسلامی مباحث معانی تمدن و جامعه اسلامی و نوع دوستی و مؤلفه‌های آن‌ها و مصادیق این مؤلفه‌ها در سیره‌ی حضرت بیان می‌شود.

۲- روش تحقیق

با توجه به این‌که کاوش در اندیشه و اعمال بزرگان در طول تاریخ از طریق نویسندگان و تاریخ‌نگاران و محدثان صورت گرفته است، از این رو جهت بررسی اندیشه‌ها و سیره‌ی امیر مؤمنان به آثار حدیثی در این زمینه خصوصاً نهج البلاغه که احادیث گردآوری شده از ایشان توسط سید رضی است به‌عنوان متنی که منعکس‌کننده‌ی گفتار و اندیشه‌ی حضرت است مراجعه شد،

علاوه بر آن از آثار متعدد دیگری در باب نوع دوستی و معناشناسی جامعه و تمدن بهره جسته شد و در این میان نگارنده برای تبیین ارتباط حس مسئولیت در قالب نوع دوستی در سیره‌ی حضرت و تأثیر آن بر تمدن و جامعه اسلامی به تحلیل داده‌ها پرداخته و ارتباط عناوین فوق را در سیره‌ی حضرت در قسمت‌های مختلف این تحقیق و به‌طور خاص در صفحات پایانی آن بررسی کرده است.

۳- چارچوب مفهومی

۳-۱- معناشناسی تمدن

تمدن، اصالتاً واژه‌ای عربی است از ریشه‌ی «م د ن» (حیدری، ۱۳۸۱، ص ۷۰۱) و مدن به معنای «سکونت و اقامت نمودن» است. (ابن منظور، بی تا، ج ۱۳، ص ۴۰۳)

دهخدا در مورد تمدن می‌نویسد: «تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و هجمیت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت». (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل لغت تمدن) همچنین تمدن را مجموعه تدابیری تعریف کرده‌اند که انسان برای استفاده از طبیعت به منظور تأمین احتیاجات زندگی به کار می‌برد و چون مبارزه با طبیعت و استفاده از آن مستلزم تعاون افراد با یکدیگر و تشکیل هیئت اجتماعی می‌باشد، تمدن با زندگی اجتماعی و تعاونی، مترادف است. (آذینفر، بی تا، ص ۱۶۴-۱۶۵) ویل دورانت، تمدن را نظامی اجتماعی می‌داند که در نتیجه‌ی وجود آن، خلاقیت فرهنگی، امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. (ویل دورانت، ۱۳۷۲، ص ۳)

برخی فیلسوفان معاصر، تمدن را به معنای شکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه‌ی افراد و گروه‌ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی و دیگر ابعاد مثبت می‌دانند. (حسین نژاد محمدآبادی، ۱۳۸۵، ص ۳۳)

آلن بیرو تمدن را نوع خاصی از توسعه‌ی مادی و معنوی در جوامع بشری می‌داند که شامل مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال حاوی جهات مذهبی، اخلاقی، زیبایی‌شناختی و هنر، امور فنی و علوم مشترک در همه‌ی اجزای یک جامعه وسیع یا چندین جامعه‌ی مرتبط با یکدیگر است. (آلن بیرو، ۱۳۶۷، ص ۴۷)

شهید مطهری در بیان تمدن می‌گوید: «تمام استعدادات انسانی انسان مابه‌الامتیاز وی از حیوان است از قبیل عالم‌شدن و تخلق به فضایل اخلاقی و اقسام هنرها و صنایع و وضع قوانین و

مقررات و بالاخره آنچه «تمدن» نامیده می‌شود، تمام این‌ها اموری است و سرمایه‌هایی است که تنها در زمینه زندگی اجتماعی به وجود می‌آید». (مطهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۹)

نگارنده معتقد است این سخن شهید مطهری با اندیشه‌ی اسلامی همخوانی دارد چراکه اصلاح انسان زیربنای پیشرفت و رفاه در زمینه‌های مختلف هنری، فنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به معنای واقعی است و با اصلاح انسان و وجود حس مسئولیت دینی، همه‌ی آحاد جامعه به رفاه و خوشبختی در زمینه‌های فوق دست‌می‌یابند. از این‌رو این نوشتار به این اندیشه اهتمام می‌ورزد.

احساس مسئولیت دینی که در قالب نوع‌دوستی ظهور دارد، در تمدن اسلامی متجلی می‌شود و از آنجاکه اسلام دین جهان‌شمول است بنابراین تمدن اسلامی دارای همه‌ی ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) است. (جان احمدی ۱۳۸۶، ص ۵۱-۵۲) آموزه‌هایی که هویت و نسبت انسان را با خداوند، جهان هستی، انسان‌های دیگر و نفس خویش به‌خوبی ترسیم می‌کند. مسلمانان به همین دلیل که آن را با عقل و فطرت سلیم خویش هماهنگ دیدند با رویی گشاده از آن استقبال کردند. فرهنگ اسلامی که از هستی‌شناسی خاص اسلام برمی‌خاست پیروانش را به‌سوی ایجاد تمدنی بزرگ کشاند که بتواند حکایت‌گر چنین فرهنگ متعالی باشد. فرهنگ و تمدن عظیمی که آگاهی از همه‌ی ابواب و احاطه بر همه‌ی ابعاد آن کاری دشوار است. (کاشفی، ۱۳۸۷، ص ۵۳)

از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی که به موفقیت و پیشرفت سریع آن یاری رساند می‌توان به این موارد اشاره کرد: تکریم جایگاه انسان، عقلانیت اسلامی، رعایت حقوق مظلومان و مستضعفان، ولایت‌مداری، نگرش توحیدی، عدالت‌گستری، علم و معرفت، گسترش اخلاقیات و... (فرزندوحی، ۱۳۹۹)

۲-۳ معناسازی جامعه

اجتماع انسان‌ها با یکدیگر به‌نحوی که زیست آن‌ها مبتنی بر تعاون و همکاری باشد. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۷۴۶) این افراد دارای هدف مشترک بوده و برای تحقق آرمان‌های مشترک از روابط معین، انسجام و پیوند میان یکدیگر برخوردارند. (ر.ک. خطیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۵)

در خصوص جامعه‌ی اسلامی که از مؤلفه‌های مورد اهتمام این مقاله است می‌توان گفت، جامعه‌ای است که اسلام و معارف آن رفتارها و عقاید افراد اجتماع را تنظیم می‌کند. (ر.ک. خطیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۵) یعنی آنچه غایت اندیشه و افعال مسلمانان را معین می‌سازد و به آنها انسجام می‌بخشد اسلام و معارف آن است که این پژوهش از ویژگی‌های قرآن و سیره‌ی امام در رابطه‌ی هماهنگ میان مسلمانان بهره جسته است.

از آنجاکه قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) دو ثقل هستند و یکی قرآن ناطق و دیگری قرآن صامت است از این رو آنچه در مورد رشد بشر و رشد جوامع بشری به آن اذعان می‌نمایند در واقع دو جلوه از یک واقعیت متعالی‌اند از این رو با تمسک به تعلیمات قرآنی و بیان نورانی امیرالمؤمنین ویژگی‌های جامعه اسلامی بررسی می‌شود.

ویژگی جامعه اسلامی از منظر قرآن عبارت‌اند از؛

۱- ایمان به خدا: قرآن در خصوص ایمان به خداوند می‌فرماید: «قل یا أهل الكتاب تعالوا

الی کلمه سواء بیننا و بینکم الاً نعبد الا الله و لانشرك به شیئا و لایتخذ بعضنا بعضاً...» (آل عمران، ۶۴) ایمان همان اندیشه‌ی راسخ به خداوند متعال است که موجبات امنیت درونی و بیرونی را فراهم می‌سازد. (نگارش و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶) انسان‌ها به واسطه‌ی این امنیتی که از عدم توجه به غیر خداوند و عدم ترس از غیر خدا رخ می‌دهد بر انجام وظایف در مقابل خداوند تمرکز نموده و آنچه خواسته اوست برآورده می‌سازند؛ از این رو بر هر آن چه انجام می‌دهند خداوند را حاضر و ناظر می‌بینند که خود او آن‌ها را یاری می‌رساند بنابراین او را جبران‌کننده کاستی‌ها و یاری‌گر در مواجهه‌ی با ضعف‌ها می‌دانند لذا در امور مادی و معنوی به یاری هم‌نوعان خود می‌شتابند.

۲- روحیه برادری: بر اساس آیه قرآن که می‌فرماید: «انما المؤمنون اخوه» (حجرات، ۱۰) انسان‌ها می‌بایست در سختی‌ها به یاد یکدیگر باشند و در سختی‌ها از همدیگر دلجویی نمایند. گسترش روح برادری می‌تواند تعبیر دیگری از نوع دوستی باشد.

۳- پابندی به ارزش‌های اخلاقی: به فرموده‌ی قرآن شریف که می‌فرماید: «و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فإن الجنة هی المأوی» (نازعات، ۴۰) انسان می‌بایست

میان گرایش‌های خود تعادل ایجاد کند؛ این ایجاد تعادل با اختیار او صورت می‌پذیرد (نگارش، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱) در غیر این صورت طغیان شهوات نه تنها زندگی دیگران را بلکه زندگی خود فرد را نیز به مخاطره می‌اندازد. از این رو اصلاح خود انسان به اصلاح حال هم‌نوعان نیز می‌انجامد و دیگران از گزند اخلاق غیر ارزشی و نابهنجار او در امان می‌مانند.

۴- رعایت میانه‌روی در زندگی: قرآن در آیاتی به رعایت میانه‌روی در زندگی اشاره می‌کند از جمله این آیه که می‌فرماید: «یا ایها الناس کلوا ممّا فی الارض حلالاً طیباً و لاتتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین» (بقره، ۱۶۸) عدم پیروی از شیطان نشانگر عدم افراط و تفریط در موهبت‌های خداوند است که این خود زمینه را برای بهره‌وری از امکانات توسط دیگران فراهم می‌سازد.

۵- گسترش علم و دانش: قرآن می‌فرماید: «إن فی خلق السموات و الأرض و اختلاف اللیل و النهار و الفلک الّتی تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لآیات لّقوم یعقلون» (بقره، ۱۶۴) می‌توان از این آیه استنباط کرد که اولاً انسان‌ها می‌توانند از تفکر در آیات الهی بهره‌های مادی و معنوی برند و نیز علم خود را با دیگر هم‌نوعان خود به اشتراک گذارند.

ویژگی‌های جامعه اسلامی در بیان امیر مؤمنان نیز بیان و سپس رابطه‌ی آن با نوع دوستی و تمدن اسلامی در بخش تأثیر نوع دوستی در پرتو حس احساس مسئولیت بر تمدن و جامعه اسلامی بررسی خواهد شد؛ این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: مشورت در امور جامعه، آزادی سیاسی و اجتماعی، آزادی بیان، شایسته‌سالاری، ملایمت و عطف نظام سیاسی، توجه به ارزش‌های انسانی در نظام اقتصادی و یکسان بودن زندگی مادی رهبران و مردم.

الف- مشورت در امور جامعه: امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر در مورد نقش اساسی و سازنده‌ی مشورت در حکومت می‌فرماید: «و با دانشمندان فراوان گفت‌وگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن، در آنچه کار شهرهایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده‌اند برقرار نما». (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، ص ۳۲۹)

ایشان در یک نگاه کلی وظایف حاکم جامعه اسلامی را سامان بخشی به اقتصاد جامعه، امنیت و دفع دشمن و عمران کشور می‌داند، در مقابل مردم نیز موظف‌اند به عهد خود نسبت به رهبر وفا نمایند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، ص ۳۲۳)

مشورت کردن نیازمند تواضع است. تواضع برای جلب منافع مردم ضروری است و آنچه آن را تسهیل می‌کند ناظر دیدن خداوند بر اعمال و رفتار و ترجیح دیگران بر خود است.

ب- آزادی‌های سیاسی و اجتماعی: امام علی (ع) انسان‌ها را آزاد می‌داند که آزاد آفریده شده‌اند (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، ص ۳۶۶) و آزادی حقوق مردم را در چارچوب اسلام لازم می‌داند مگر اینکه مصلحت جامعه آن را تحدید نماید. (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، ص ۳۰۴)

انسانی می‌تواند به زیردستان خود آزادی دهد که خود آزاده باشد. هم علم و هم قدرت کنترل امور را دارد و در مقابل کسانی که به دنبال تخلف و کاهش آزادی‌های مردم هستند مقاومت کند و در مقابل تهدیدات و تطمیعات آن‌ها نلغزد. این قدرت به وسیله‌ی ترس از خداوند و احساس مسئولیت در مقابل فرامین الهی و در نهایت نوع دوستی انسان برمی‌آید، در غیر این صورت برای جلب منافع خود دست از حمایت نسبت به آزادی مردم برمی‌دارد. مدیرانی که متخلف‌اند هیچ‌یک از ویژگی‌های آزادمردان را ندارند.

ج- شایسته‌سالاری: روزی مالک در مورد استفاده از فرزندان عباس در امور اجرایی اعتراض کرد، حضرت ضمن بیان پاسخی منطقی به او فرمودند اگر افرادی شایسته‌تر از آن‌ها را می‌شناسد، معرفی نماید تا آن‌ها را برکنار نماید. (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳)

حضرت با این شیوه‌ی پسندیده به دیگران آموخت که باید در مقابل انتقادات انعطاف داشت و نیز در واسپاری مدیریت امور به افراد شایسته از شایستگی آن‌ها به دلیل تعصب‌های نابجا نباید چشم‌پوشی کرد چراکه عدم توجه به شایستگی‌های افراد، خود، ظلم و خیانت به جامعه است و مخالف با نوع دوستی است.

د- ملایمت و عطوفت نظام سیاسی: امام به مالک اشتر می‌فرماید: «مهربانی بر رعیت را برای دل خودپوشی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان و...، چه رعیت دودسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تواند و دسته دیگر با تو در آفرینش همانند گناهی از ایشان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود؛ یا خواسته و ناخواسته خطایی بر دستشان می‌رود. به خطاشان

منکر و از گناهانشان درگذر، چنانکه دوست داری خدا بر تو ببخشد و گناهت را عفو فرماید... و بر بخشش پشیمان مشو و بر کیفر شادی مکن و به خشمی که توانی خود را از آن برهانی مشتاب...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، ص ۳۹۲)

کنترل خشم قلوب انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و کسی می‌تواند خشم خود را فروخورد که دیگری را چون خود ببیند که او نیز انسان است و ممکن الخطا از این رو همان رفتاری را با او انجام می‌دهد که دوست دارد دیگری در هنگام خطای او با وی انجام دهد. در این حالت است که ارتباطات انسانی انسجام بیش‌ازپیش می‌یابد.

ه- توجه به ارزش انسانی در نظام اقتصادی: به عقیده امام علی (علیه‌السلام) باید به دنبال حل همیشگی معضل فقر بود. ایشان برای افراد نیازمندی که قادر به انجام فعالیتی نبودند با صرف اموال دولت، امنیت خاطر ایجاد می‌نمود تا بتوانند به سایر امور لازمه‌ی خود پردازند و چنانچه امکان ریشه‌کنی فقر وجود داشت، دولت را موظف به رفع آن فقر می‌نمود. (الکلینی، ۱۴۱۳، ص ۲۴)

و- یکسان بودن زندگی مادی رهبر و مردم: امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «علی علیه‌السلام هزار بنده از دسترنج خود آزاد کرد، حلوا‌ی او فقط از خرما و ماست بود و لباس‌هایش از کرباس». (ثقفی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۸۴)

مردم نسبت به رهبری که از فقیران آن جامعه ساده‌تر زندگی می‌کند دلگرم بوده و به او اعتماد می‌کنند لذاست که دل‌های آن‌ها پذیرای فرامین حیات‌بخش او می‌گردد و چنین دستاوردی جامعه‌ای بالنده را رقم می‌زند.

ماحصل بررسی مؤلفه‌های تمدن و جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن و روایات امام علی (علیه‌السلام) و مؤلفه‌های آن این است که این مؤلفه‌ها در قالب ایمان به خداوند، رعایت حقوق مظلومان و نیازمندان، تکریم انسان، علم و عقلانیت اسلامی، عدالت‌گستری، آزادی و گسترش اخلاقیات مشترک‌اند و بر یکدیگر تطبیق می‌نمایند. با این نگرش کلی می‌توان نوع‌دوستی و حس مسئولیتی که از آن منشعب می‌شود را به‌عنوان عامل مؤثر بر برآیند اشتراکات مطالب پیش‌گفته دانست.

۴- نوع دوستی و دیگر خواهی

پس از بیان تمدن اسلامی، ویژگی‌های جامعه اسلامی از منظر قرآن و امیر مؤمنان، نکاتی در مورد نوع دوستی بیان و سپس تأثیر نوع دوستی در پرتو حس احساس مسئولیت بر تمدن و جامعه اسلامی بررسی خواهد شد.

نوع دوستی از عشق به دیگران نشأت می‌گیرد و ارتباط تنگاتنگی با شناخت انسان دارد. شناخت عمیق نسبت به عواطف و احساسات انسانی، عشق به هم‌نوع را تحریک می‌کند و عشق و محبت به وی را برمی‌انگیزد؛ چون او را همانند خود موجودی دارای کرامت و شرافت وجودی می‌یابد و با حس زیبادوستی و کمال دوستی، به هم‌نوع، به چشم کمال می‌نگرد و علاقه‌مند می‌شود. همین احساس کمال خواهی و زیبادوستی است که محبت و دوستی به هم‌نوع را به‌عنوان موجودی کامل و زیبا برمی‌انگیزد و او را محبوب خود می‌یابد. (نوروزی، ۱۳۹۵، ص ۲۴) بر این اساس، نوع دوستی در اسلام به معنای دوستی نوع انسان است که اشرف مخلوقات و برتر از همه‌ی آفرینش در کمالات است و اظهار دوستی به آن در حقیقت موافقت با طبیعت هستی و آفریدگار انسان است؛ چراکه خداوند کمالات و زیبایی‌ها را در ایشان آفریده و همگان را به‌سوی آن متمایل ساخته است؛ پس دوستی نوع انسانی به معنای دوستی کمالات و زیبایی‌های وجودی انسان است. لذا طبق تعالیم اسلام نوع دوستی عبارت است از: «ابراز دوستی و محبت به انسان و کرامت انسانی و تلاش و جدیت برای اعتلای محاسن و مکارم اخلاقی هم‌نوعان». (نوروزی، ۱۳۹۵، ص ۲۵) پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «رأس العقل بعد الدين التودد الى الناس و اصطناع المعروف الى كل بر و فاجر» یعنی پس از دین، بشر دوستی و نیکی به مردم اعم از درستکار و گناهکار سرآمد تمام کارهای عاقلانه است. (نوری، ۱۳۹۵، ص ۳۵۳)

نوع دوستی یا دیگری را بر خود ترجیح دادن، در عناوینی مانند ایثار، کمک به دیگران، حسن ظن، تواضع، انصاف و عدالت تحقق می‌یابد که نشانی از ولایت علوی در جامعه است. (محمدی، ۱۳۹۴) امام علی (ع) در نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن (ع) ملاک رضایت و نارضایتی هم‌نوعان را این اصل طلایی اخلاق می‌داند که: «پسرم خویشتن را معیار و مقیاس قضاوت بین خود و دیگران قرار بده پس آنچه را برای خود دوست می‌داری برای دیگران دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند. ستم مکن همان‌گونه که دوست نداری بر تو

ستم شود، نیکی کن همان‌گونه که دوست داری نسبت به تو نیکی کنند، برای خویشتن چیزی را زشت بدان که همان را برای دیگری زشت می‌شماری، به همان چیز برای مردم راضی باش که برای خود می‌پسندی» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۷)

۴-۱ ضرورت بررسی سیره‌ی امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در ارتباط با نوع‌دوستی

در عصر جاهلیت مدرن، بازخوانی و بهره‌گیری از سیره و آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) که راه را به انسان‌های کمال‌جو نشان می‌دهد و غبار از راه آنان می‌زداید، ضروری می‌نماید. آنان که مایه‌ی افتخار مسلمانان و الگوی جهانیان هستند و لحظه‌لحظه‌های زندگی‌شان برای انسان‌های طالب حقیقت درس‌آموز است. (خاتمی، ۱۳۹۲، ص ۱۷)

انعکاس سیره‌ی امیر مؤمنان به‌عنوان الگوی نوع‌دوستی و دیگر خواهی امیر مؤمنان (ع) پس از پیامبر اسلام اولین کسی است که توانست با بهره‌مندی از الطاف خاص خداوند و قرار گرفتن در شرایط مناسب تربیتی استعدادهای خود را شکوفا کرده و صفات الهی را در خود متجلی سازد. در جنگ‌های بسیاری برای پاسداری از اسلام شرکت نموده و به فقیران و مستمندان کمک می‌کرد. او اسوه‌ی اخلاق در گفتار و عمل و پس از پیامبر بهترین الگو برای تعالی انسان بود.

مصادیق بسیاری از نوع‌دوستی را می‌توان در رفتار و سیره‌ی آن حضرت مشاهده کرد که به چند نمونه از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۴-۲ مصادیق نوع‌دوستی در سیره‌ی امام علی (علیه‌السلام) و نهج‌البلاغه

۱- ایثار و انفاق در سیره‌ی علوی

الف- ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید: «علی روزها روزه می‌گرفت و خوراک خود را به دیگران می‌داد و با دست خویش نخلستان‌های بعضی از یهود را آبیاری می‌کرد. دست‌هایش در اثر آبکشی، آبله می‌زد اما درآمد خود را به مستمندان می‌داد». (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۴۸، ج ۷، ص ۱۸۹)

ب- بر اساس برخی روایات، روزی فقیری وارد مسجد پیامبر شد و تقاضای کمک کرد ولی هیچ‌کس چیزی به او نداد. او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم ولی کسی چیزی به من نداد. در همین حال علی (ع) که در حال رکوع بود با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد. فقیر نزدیک آمد و انگشتش را از دست آن حضرت بیرون آورد. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۳۹)

ج- جریان مشهور بیماری حسنین علیهما السلام و نذر سه روز روزه خاندان امام علی (علیه السلام) و فضا برای سلامتی فرزندان امام و انفاق سه روز افطاری به مسکین و یتیم و اسیر و نزول مانده بهشتی برای این بزرگواران (زمخسری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۷)

د- امام علی (ع) در سفارش رسیدگی به فقیران و نیازمندان به قثم بن عباس نوشته‌اند: «هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان. در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است، اندیشه کن و آن را به عیالمدان و گرسنگان پیرامونت ببخش و به مستمندان و نیازمندانی که سخت به کمک مالی تو احتیاج دارند، برسان. (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۴۳۳)

ه- امام (ع) در خطبه‌ای از نهج البلاغه می‌فرماید: «آن‌کس که خدا او را مالی بخشید، پس باید به خویشاوندان خود بخشش نماید و سفره مهمانی خوب بگستراند و اسیر آزاد کند و رنج‌دیده را بنوازد و مستمند را بهره‌مند کند و قرض وام‌دار را بپردازد و برای درک ثواب الهی در برابر پرداخت حقوق دیگران و مشکلاتی که در این راه به او می‌رسد شکیبا باشد». (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵)

۲- عدالت و انصاف

عدل و انصاف، از جمله اصول روابط انسانی و نوع‌دوستی و تمدنی است که آحاد بشر را در برمی‌گیرد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند سبحان، عدل را عامل برپایی جامعه بشری و مانع از ستم و تجاوز و سبب شکوهمندی اسلام قرار داده است.» (نوروزی، ۱۳۹۵، ص ۵۱)

ایشان دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه‌ی اقدامات حکومت عدل خویش قرارداد:

- ۱- مصادره و بازپس‌گیری اموال غاصبان

۲- احیاء سنت برابری و مساوات در بهره‌مندی از بیت‌المال.

هدف امام (ع) این بود که در حکومتش، حقوق مردم پایمال نشود و در بیت‌المال حیف و میل و تبعیض، صورت نگیرد، همچنین می‌خواست حقوق پایمال‌شده‌ی گذشته را نیز برگرداند. امام که در شرایطی ویژه و حساس، حکومت را پذیرفته بود، می‌دانست پاسخ مناسب به قیام و انقلاب خودجوش مردمی که در اثر تبعیض و ستم حکومت خسته شده و به ستوه آمده‌اند، جز با تأکید بر اصول عدالت و قاطعیت در برابر بی‌عدالتی‌های گذشته و عوامل آن ممکن نیست و اگر حضرت از این شرایط ویژه بهره‌برداری نمی‌کرد و تحولات اساسی موردنظر خود را عملی نمی‌ساخت، با

فروکش کردن شور و احساس انقلابی مردم زمینه‌ای برای دست زدن به اقدامات اصلاحی نمی‌ماند. (لطیفی، ۱۳۷۹، ص ۲۶-۵۵)

امام (ع) درباره‌ی اموال فراوان بیت‌المال که عثمان به بعضی از خویشاوندان خود بخشیده بود چنین فرمودند: «به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم، گرچه مهریه‌ی زنان شده باشد یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت، گشایش برای عموم است و آن کسی که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است». (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۹)

همچنین، امام در نامه‌ی خود به مالک اشتر، یادآور می‌شود که با رعیت از مسلم و غیرمسلم عدالت و انصاف را رعایت کند و از ستم و قساوت بپرهیزد. (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۵) سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) نیز گواهی صادق بر تجسم عدل در نظام رهبری آن حضرت است. تا بدان‌جا که حتی بیگانگان، وی را ندای عدالت انسانی خوانده‌اند. (نوروزی، ۱۳۹۵، ص ۵۱)

۳- حسن ظن

حسن ظن از مهم‌ترین فضائل در فرهنگ اسلامی است که در رشد و تکامل انسان و نیز در وحدت و تکامل مادی و معنوی جامعه نقش دارد و باعث ایجاد امید و نشاط در زندگی و جامعه می‌شود. تعالیم اسلام به‌طور واضح با بدبینی و بدگمانی مبارزه می‌کند و مسلمانان را از آن بر حذر می‌دارد و به حسن ظن سفارش می‌کند. (عزیزی، ۱۳۷۴، ص ۹-۱۶) امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد گمان بد ببری، چرا که برای آن برداشت نیکویی نیز می‌توان داشت» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۵۱۱) همچنین در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «بدان ای مالک هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد رعیت به والی، بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد؛ پس در این راه آن‌قدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوشبین شوی که این خوش‌بینی رنج طولانی مشکلات را از تو برمی‌دارد. پس به آنان که بیشتر احسان کردی بیشتر خوشبین باش و به آنان که بدرفتاری کردی بدگمان‌تر باش و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد

می‌کند، پدید نیاور که پاداش برای آورنده‌ی سنت و کيفر آن برای تو باشد که آن‌ها را در هم شکستی». (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۷)

۴- تساهل و مدارا

امام علی (ع) رهبر همه‌ی عقلاء و متشرعان جهان، شیوه‌ای را که مخالف رحمت، محبت و لطف به مردم است برای زمامداری نمی‌پسندد و اگر توصیه می‌کند که مالک باید مظهر رحم و دوستی و لطافت باشد و از غضب و دشمنی و خشونت بپرهیزد، به این دلیل است که مردم یا برادران دینی‌اند یا هموعان. (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳-۱۲۴) ایشان می‌فرمایند: «کسی که به مردم رحم نکند از رحمت خدا بی‌نصیب است». (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۶۹) به سفارش حضرت از محبت به عموم مردم نباید غفلت شود. حکومت باید به مجموع کسانی که شهروند محسوب می‌شوند مهرورزی و محبت داشته باشد. در عهدنامه مالک اشتر است که: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، چرا که مردم دو دسته‌اند؛ دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ی دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند». (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۵-۴۰۶)

امام (ع)، در نامه‌ی ۳۱ نهج‌البلاغه به امام حسن (ع)، چنین می‌فرماید: «چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی برقرار کن، اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن و چون بخل ورزد، تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند، تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد تو آسان‌گیر و به هنگام گناهش، عذر او را بپذیر چنان‌که گویا بنده‌ی او هستی و او صاحب نعمت توست، با آن‌کس که با تو درشتی کرده، نرم باش که امید است به‌زودی در برابر تو نرم شود، با دشمن خود با بخشش رفتار کن زیرا سرانجام شیرین‌ترین دو پیروزی است». (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۸۱)

در خصوص مدارا با مردم، در نامه‌ای که حضرت به مالک اشتر نوشتند، می‌فرمایند: «هنگامی که نماز جماعت می‌خوانی نه با طولانی کردن نماز، مردم را پراکنده ساز و نه آن را تباه سازی، زیرا در میان مردم، بیمار یا صاحب حاجتی وجود دارد». (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۷)

امام (ع) در واپسین لحظه‌های عمر مبارکش، گاه بیهوش می‌شد. وقتی به هوش می‌آمد به حسن و حسین (علیهما السلام) می‌فرمود: «به این اسیر (ابن ملجم)، غذا و آب برسانید و با او خوش رفتاری کنید». (قمی، ۱۳۷۲، ص ۸۵) این‌گونه، حتی دشمنان و اسیران را مورد محبت و مروت، قرار می‌داد.

همه‌ی این نمونه‌ها نشان از ترجیح دیگران بر خود دارد و این نیز نشأت گرفته از روحیه‌ی ولایت حضرت است که فضا نیز از آن متأثر است. تکریم کرامت انسانی در عمل و گفتار حضرت تجسم یافته است. علی (علیه السلام) به عنوان انسان کامل، عینیت کمال همه‌ی خصلت‌های کامل انسانی است. هرچند معرفت به ایشان و انتظار چنین سخنان و اعمال پسندیده‌ای از حضرت به لحاظ معرفت‌شناسی برای کسی که شناختی اجمالی از ایشان دارد به صورت برهان لمی و یا برهان اینی مقدور است، به عبارت دیگر کسی که علی (علیه السلام) را صاحب صفت نیکو شناخته است این خصایص را به عنوان معلول از ایشان انتظار دارد (برهان لمی) و کسی که با این اعمال نیکو (معلول) ایشان را به عنوان علت این خصایص می‌شناسد با سیر از معلول به علت یعنی برهان اینی به شناخت ایشان نائل می‌شود. لیکن واقعیت آن است که امیر مؤمنان تجلی یافته‌ی خداوند و از کامل‌ترین خلفای الهی است، از این رو شناخت متعالی ایشان همانند خالق خود با برهان صدیقین (رک. ملاصدرا، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۳۲۴؛ ایرجی‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۳-۲۱) شناخته می‌شود نه با برهان اینی و لمی. به تعبیر دیگر علی (علیه السلام) برای اهل معرفت در حد توان آن‌ها تنها از طریق معرفت به خود ایشان شناخته می‌شود، زیرا علی با حق است و حق با علی است و این دو وحدت دارند و ظهور حق در خارج چیزی جز صفات نیکو نیست. اخلاق نیکوی حضرت در قالب توجه به هم‌نوع نمایان شده است.

هنگامی که عقل انسانی رشد یابد و اندیشه‌ی او درباره‌ی جهان و خالق او منطبق با واقع شود و عقل عملی او حاکم بر هوای نفسش گردد، مؤادی آداب می‌شود و همه‌ی موارد فوق اعم از انفاق و حسن ظن و تساهل و مدارا به عنوان پدیدارهای عقلانی او ظهور می‌یابند. چنین انسانی، انسان کاملی است که آرزوی هر انسانی به اوست از این رو برای رسیدن به او نیاز به پیروی از این امام بزرگ و درس‌آموزی از احساس مسئولیت ایشان در مقابل هم‌نوع است.

۵- تأثیر نوع دوستی در پرتو حس احساس مسئولیت بر تمدن و جامعه اسلامی

پس از بیان مؤلفه‌های تمدن اسلامی، جامعه اسلامی و سیره‌ی امام علی (علیه السلام) متناسب با مؤلفه‌های نوع دوستی زمان آن رسیده است که ارتباط آن‌ها با نوع دوستی در پرتو احساس مسئولیتی که در نوع دوستی وجود دارد با سیره‌ی حضرت علی (علیه السلام) بیان شود.

رعایت نوع دوستی و اصول حاکم بر آن، موجب حفظ مدنیت و مواریت فرهنگی بشر خواهد شد. با این اخلاق می توان مدنیت را گسترش داد و اعتبار بخشید و راه رشد و ترقی آن را هموار ساخت. همچنین باعث می شود افراد خود را در حیطه ی قانون قرار دهند و بکوشند تا از مرز آن تخطی نکنند. (نوروزی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۸) دگر دوستی که از صفات اختصاصی بشر و تمایلات عالی انسان است، مایه ی مهرورزی به مردم و دوست داشتن دیگران است. این تمایل، انسان را به غیر خود متوجه می کند و به زندگی لطف و صفای انسانی می بخشد. (نوروزی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۴)

در جامعه ی امروزی نیاز به حس نوع دوستی بیش از پیش احساس می شود. امروزه که در هر گوشه از جهان شاهد جنگ و جنایت و کشتار مردم مظلوم توسط دولت های ظالم و ستمگر هستیم حق بهره مندی از صلح اهمیت به سزایی دارد.

به صراحت می توان گفت که اسلام، دین صلح است. آموزه های این دین بر صلح طلبی، نوع دوستی و احترام انسان ها به یکدیگر، صرف نظر از فرهنگ، زبان، نژاد و یا دین خاص، استوار است. در شرایطی که خشونت و یزگی بارز عصر معاصر است، اسلام بر تقدس حیات، تأکید می ورزد و کشتن یک انسان بی گناه را مانند نابودی کل بشر می داند. قرآن مجید به صراحت جنگ افروزی را نکوهش کرده و آن را منشأ فساد و تباهی می داند و به صلح و زندگی مسالمت آمیز دعوت می کند و هرگونه تعدی، تجاوز و ستمگری را محکوم می سازد. عدالت جهانی در زیر سایه ی صلح جهانی میسر است؛ صلحی پایدار که همه ی جهان را فراگیرد. اما این صلح، به معنای فقدان جنگ نیست بلکه به معنای فقدان ظلم، بی عدالتی، فساد و استبداد است. (رامین، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸)

در اسلام فرقی نمی کند که انسان در کدام سرزمین زندگی می کند یا از کدام نژاد و ملیت است. به همین دلیل اندیشه ی زندگی مسالمت آمیز را از همان بدو طلوع، در قالب یک اعلامیه جهانی مطرح نموده است. با این چنین دیدگاهی پیامبر اسلام (ص) نیز سنگ بنای زندگی مسالمت آمیز را با انعقاد منشور مدینه و به تعبیری نخستین پیمان نامه ی عمومی در اسلام، بنیان نهاد و به تدریج به توسعه و گسترش آن پرداخت. پس می توان گفت که اسلام، آیین صلح و امنیت است که جنگ را پدیده ای عارضی و تحمیلی می شناسد که در فرض وقوع، اولاً؛ اقدام به دفاع را در برابر حمله و تجاوز، لازم و واجب می داند و ثانیاً با وجود عارضی دانستن پدیده ی جنگ برای آن برنامه و قواعد مفصلی بر



مقالات پنجمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی آذر ۱۴۰۰



پنجمین همایش ملی علوم دینی اسلام
کد مجوز: ۶۱۵۵-۶۱۵۵-۱۳۹۲

پایه‌ی عدل، رحمت و رعایت حقوق و شئون انسانیت، تنظیم کرده است. (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹-۱۶۰)

اسلام می‌خواهد وحدت را در جامعه‌ی بشری بر محور حق و عدل و خیرخواهی افراد بشر با یکدیگر و استقرار آزادی و آزادگی و انسانی ساختن جهان برقرار کند. بنابراین حتی مبارزه و جهادی را که در اسلام مطرح است، علیه هر نوع شرک و ستمگری و برده‌گیری‌های گوناگون است. افراد و امت اسلامی باید خود را مسئول و متعهد بدانند که نه تنها خودشان بر اساس توحید و عدل، زندگی کنند بلکه تا می‌توانند در گسترش حق‌پرستی، بیدارسازی بی‌خبران، رفع ظلم و ستم از مظلومان و محرومان و کسب آزادی و رفع فتنه و فساد در عالم، از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمایند. (نوروزی، ۱۳۹۵، ص ۶۵-۶۶) این عدالت و رفع فتنه در کلام و سیره‌ی امام علی (علیه‌السلام) در پیوند میان نوع‌دوستی و تمدن و جامعه اسلامی مشهود است که با توجه به آنچه درباره‌ی مؤلفه‌های نوع‌دوستی و سیره‌ی امام علی (علیه‌السلام) مطرح شد می‌توان به وجه اشتراک آن‌ها که زمینه‌ی تعالی تمدن و جامعه اسلامی است رسید و آن حس مسئولیت‌پذیری است که در زیر با محوریت این اصل پیوند میان مؤلفه‌های تمدن و جامعه اسلامی و نمونه‌هایی از سیره‌ی امام علی (علیه‌السلام) بیان می‌شود. نوع‌دوستی انسان‌ها را به سمت احساس مسئولیت سوق می‌دهد، همان‌گونه که امام اصل طلایی اخلاق را به امام حسن (علیه‌السلام) توصیه می‌نماید که آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند. در این سخن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) امام حسن (علیه‌السلام) را به این مسأله توجه می‌دهد که قبل از انجام عمل، خود را معیار برای نیکی یا بدی به دیگران قرار دهد، زیرا هیچ انسانی نیست مگر اینکه خود را بیش از دیگران مورد مهر و محبت قرار می‌دهد و نسبت به خود احساس مسئولیت می‌کند و این حس احساس مسئولیت را می‌بایست در مورد دیگران داشته باشد. در این صورت است که حس احساس مسئولیت به‌عنوان معیار اصلی قرار گرفته و در پرتو این معیار، مؤلفه‌های تمدن و جامعه اسلامی همچون ایثار و انفاق، عدالت و انصاف، حسن ظن و مدارا با دیگران، مشورت در امور جامعه، ابراز آزادی سیاسی و اجتماعی و یکسانی زیست رهبر جامعه با سایر افراد اجتماع رخ می‌نماید، زیرا براساس معیار طلایی اخلاق، همان‌گونه که نسبت به خود می‌پسند که تمام نیروها و قوا و امکانات پیرامونی نظیر امکانات محیط‌زیست، امکانات رفاهی، امکانات آموزشی، امکانات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی را معطوف به خود نماید، به همین ترتیب به دنبال فرصت است که این

امکانات را برای دیگران نیز فراهم نماید. بنابراین می‌توان گفت حس احساس مسئولیت یک ویژگی کل‌نگر است بدین‌سان که هم موجب پیشرفت خود انسان شده و هم موجب رشد و تعالی او می‌شود. با پرورش حس مسئولیت در خود، مؤلفه‌های تمدن و جامعه اسلامی و نیز مؤلفه‌های نوع‌دوستی در انسان پرورش می‌یابد. یعنی انسان با حس مسئولیت‌پذیری عدالت و انصاف را در حق خود رعایت می‌کند و به دلیل رعایت عدالت در خود، ظرفیت‌های مثبت خود را کمال می‌بخشد و در رسیدن به این اعتلاء البته، هنگامی که کوتاهی در وظایف شخصی مربوط به خود می‌نماید، در برخی موارد خویش را تنبیه و در برخی موارد در ابتدای راه برای اینکه در مسیر به کمال رساندن ظرفیت‌های خود ثبات قدم یابد، گاهی با خود مدارا می‌نماید. در این راستا تنبیه و مدارای با نفس، نه بر پایه‌ی احساسات خود شخص بلکه بر اساس عقل و ارزش‌های معنوی که اسلام بر آن‌ها تأکید نموده است، می‌باشد، در اثر این تکرار و تمرین‌ها، گرایش به اصول اخلاقی در انسان به‌صورت ملکه درآمده و موجب می‌شود در شرایط مقتضی آن، رفتار صحیح را از خود بروز دهد. به‌عنوان مثال در شرایطی که خود نیاز به تأمین خوراک و پوشاک دارد، چون این حس مسئولیت را در قبال خویش دارد در حد اعتدال و میانه به رفع نیاز نسبت به خوراک و پوشاک خود می‌پردازد در همین راستا چون این حس مسئولیت‌پذیری را نه در حد تفریط و افراط بلکه به‌صورت میانه و اقتصادی در خود پرورش داده است بنابراین در هنگام مواجهه با نیاز دیگران در امر خوراک و پوشاک به رفع نیاز آن‌ها نیز در حد توان خود اقدام می‌نماید و در همین حد هم اکتفا نمی‌کند بلکه دیگران را بر خود ترجیح می‌دهد. آن‌گونه که امام علی (علیه‌السلام) به انفاق و ایثار مبادرت می‌ورزید. در جریان سه روز روزه‌ی ایشان خوراک خود را به دیگران بخشید، نه تنها ایشان در ارتباط با دیگران احساس مسئولیت می‌کرد بلکه حس مسئولیت‌پذیری در خانواده‌ی ایشان نیز به‌صورت یک پدیده‌ی جمعی حضور داشت و به دیگران سفارش می‌نمود.

حس مسئولیت‌پذیری در بعد اجتماعی موجب می‌شود که همان‌گونه که انسان ظلم را بر خود نمی‌پسندد، بر اثر تمرین در این امر، این رذیله‌ی اخلاقی را از خود دور نموده و عدالت را در خود محقق ساخته و به دلیل دارا شدن ملکه‌ی عدالت و حس مسئولیت‌پذیری که نسبت به عدالت در خود احساس می‌کند در شرایط مشابه نسبت به آن‌ها نیز چون خود خیرخواه است. به حقوق دیگران

تجاوز نمی‌کند و خود را با دیگران مساوی می‌انگارد و نه تنها خود بلکه دیگران را به رعایت عدالت نسبت به دیگران فرمان می‌دهد.

در پرتو حس مسئولیت‌پذیری است که خود و دیگران را ملزم می‌داند که به خصیصه‌ی والای اخلاقی و انسانی حسن ظن متعهد باشند و رفتارهای به‌ظاهر غیر موافق با فضایل اخلاقی برادران دینی را به نحو احسن تفسیر نمایند که پیامد این حسن ظن به برادران دینی، آن خواهد بود که فرد برای تبیین و تفسیر رفتارهای دیگران به پیش‌داوری و قضاوت‌های ناصواب مبتلا نمی‌شود. از این رو در مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی که به دیگران محول شده است، علم مخالف بر نمی‌دارد بلکه برای بهتر اجرا شدن مسئولیت‌های دیگران، آن‌ها را یاری می‌رساند و حس خوب همیاری را تقویت می‌نماید.

بنابراین سخنان امام علی (علیه‌السلام) پیش‌ازین که بر آموزه‌ی حس مسئولیت نسبت به دیگران تأکید نماید بر آموزه‌ی ایجاد حس مسئولیت در شخص (خود) اهتمام می‌ورزد، زیرا با اصلاح خود است که اصلاح دیگران و جامعه رخ می‌نماید. از آنجاکه افراد جامعه با گرایش‌های مختلف و سلاقی گوناگون زندگی می‌کنند و هر یک گمان می‌کند که بهترین شیوه‌ی تفکر و رفتار و عملکرد را داراست از این رو ممکن است در قبال تذکرات بجا که به نقصان وظایف آن‌ها توجه می‌دهد، تاب نیاورند. برای همراه کردن این طیف از افراد جامعه که شمار آن‌ها کم نیست می‌بایست با پرده‌پوشی بر اشتباهات آن‌ها البته تا جایی که ممکن است و استانداردهای جامعه اجازه می‌دهد، از خطاهای جزئی آن‌ها چشم‌پوشی و نقاط مثبت آن‌ها را تشویق نمود و آن‌ها را نسبت به سنت به انجام بهتر وظایف دلگرم ساخت و با این مدارا افق روشنی نسبت به آینده برای آن‌ها ترسیم کرد چراکه با حسن خلق، مردم بیشتر برای پیش برد اهداف همراهی می‌نمایند و ترش‌رویی جز اهمال بیشتر در کارها و ایجاد دافعه در میان مردم، رهاورد دیگری نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد آنچه را که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در گفتارش در پی آن است، ابتدا اصلاح خود فرد است آن‌هم با ایجاد حس مسئولیت در او نسبت به خود و سپس به دیگران، با حس مسئولیت عادلانه در همکاری سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... رشد چشمگیری در سطح جامعه اسلامی و جامعه جهانی صورت می‌پذیرد.

حس مسئولیت عادلانه منشأ ایجاد محبت نسبت به خود و دیگران شده و به همان میزانی که فرد به دنبال وجود شرایطی جهت ارتقاء خود در امور مادی و معنوی است، به همان میزان در پی ارتقاء دیگران نیز خواهد بود. از این رو فردی صلح طلب، با بصیرت، دلسوز و همدل می‌گردد که به اشاعه‌ی تمدن و جامعه‌ی اسلامی همت گماشته و چون امیر مؤمنان به احقاق حق می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

تجلی ولایت خداوند در امام علی (علیه‌السلام) به‌عنوان یک عبد در پرتو انجام فرامین الهی مشاهده می‌شود. عشق حضرت به معبود موجب اشاعه‌ی آن به مخلوقات حق تعالی شد. به عبارت دیگر خداوند به‌عنوان رأس هرم هستی امام را به همه‌ی موجودات هستی پیوند می‌زند. از این رو امام چون عاشق خداوند است عاشق آفریدگان او نیز هست و سرسپاری او به خداوند و انجام فرامین الهی به معنای ادای مسئولیت در مقابل خداوند، رفتار و کردار دل سوزانه و نوع‌دوستانه او را با انسان‌ها رقم می‌زند. نوع‌دوستی علی (علیه‌السلام) و ادای مسئولیتش در مقابل دیگران برآمده از عدل اوست، زیرا او به‌تمامه هر چیزی را در جایگاه مناسب آن قرار می‌دهد و رفتار او در بررسی مشکلات جامعه در بعد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل تسری به بهبود روابط سازمانی، انواع مدیریت‌های اجتماعی، سیاسی و... و سامان‌بخش رفتار در خانواده است. رعایت این نکات کلیدی در قالب نوع‌دوستی می‌تواند به اصلاح آحاد جامعه منجر شده و رفاه و آرامش و پیشرفت بیش‌ازپیش آن را رقم زند و آن‌ها را به سوی تمدن و جامعه‌ی حقیقی اسلامی سوق دهد.

منابع

- ابن ابی الحدید (۱۳۴۸)، شرح نهج‌البلاغه، قم، مکتب اسماعیلیه.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (بی‌تا)، لسان‌العرب، بیروت، دارالصادر.
- ایرجی‌نیا، اعظم (۱۳۹۵)، «برهان صدیقین و تاثیر آن بر نظریه ترادف صفات الهی از دیدگاه ابن‌سینا»، آموزه‌های فلسفه اسلامی، شماره‌ی ۱۹، ص ۳-۲۴.
- آذینفر، سعیدی پور (بی‌تا)، فرهنگ فارسی خرد، انتشارات خرد.
- احمدی، سیروس (۱۳۹۳)، «نوع‌دوستی و ترویج آن در آموزه‌های اسلام»، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.
- آلن بیرو (۱۳۶۷)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران، کیهان.



پایگاه استادی علوم جهان اسلام
کد مجوز: ۶۱۵۵-۶۱۸۲

مقالات پنجمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی آذر ۱۴۰۰



- بهشتی، احمد (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی- تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه، قم، بوستان کتاب.
- ثقفی کوفی اصفهانی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات (۱۳۵۵)، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۶)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ اول، قم، نشر معارف.
- جعفری، سیداصغر (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی قواعد حاکم بر ممنوعیت برخی از تسلیحات در کنوانسیون‌های بشردوستانه و اسلام»، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ملاصدرا (۱۳۶۸)، شرح حکمه المتعالیه، اسفار اربعه، شرح عبدالله جوادی آملی، تهران، الزهراء.
- چناری، مهین (۱۳۸۹)، «فرهنگ ایثار و شهادت و راههای تقویت آن در بین دانش‌آموزان و دانشجویان»، مجموعه مقالات ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، قم، دانشگاه قم.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱)، شواهد التنزیل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسین نژاد محمد آبادی، حمید (۱۳۸۵)، «رابطه‌ی علم با فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهری»، شماره‌ی ۶۰ ص ۳۳-۵۶.
- حیدری، محمد (۱۳۸۱)، معجم الافعال المتداوله، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه، قم.
- خاتمی، سیداحمد (۱۳۹۲)، سیری در سیره امام علی علیه‌السلام، تهران، تپش قلم.
- دشتی، محمد (۱۳۸۹)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دوم، قم، انتشارات پیام عدالت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.
- رازقی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۵)، «بررسی تحلیلی مبانی اسلامی نوع‌دوستی به‌عنوان یک هدف تربیتی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال هشتم، شماره‌ی اول، پیاپی ۱۵، ص ۵-۲۴.
- رامین، فرح (۱۳۸۹)، «مقایسه جهاد در اسلام با تنوری‌های جنگ و صلح در غرب»، مجموعه مقالات ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران استان قم، قم، نشر قم.



پایگاه استادی علوم جهان اسلام
کد مجوز: ۶۱۰۵۰-۶۸۱۹

مقالات پنجمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی

آذر ۱۴۰۰



- رضازاده جودی، مهدی، رضازاده جودی، محمدکاظم (۱۳۹۴)، «الگوی تمدنی اسلام در سیره نبوی با تکیه بر آیات قرآن کریم»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۶، شماره ۲۰، ص ۱۶۶-۱۸۹.
- زمانی، مصطفی (۱۳۴۸)، اسلام و خدمات اجتماعی، قم، موسسه مطبوعاتی دارالعلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۵ق)، الکشاف، قم، نشر البلاغه.
- سادات، محمدعلی (۱۳۷۰)، اخلاق اسلامی، چاپ نهم، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها «سمت».
- عزیزی، عباس (۱۳۷۴)، حسن ظن و سوءظن، چاپ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- فرزند وحی، احمدی، فاطمه (۱۳۹۹)، «شاخصه ها و ویژگی های تمدن اسلامی در آیات و روایات»، تمدن اسلامی و دین پژوهی، سال دوم، شماره ۵، ص ۹۸-۱۱۳.
- فرهادی نژاد، محسن، خانی، فاطمه (۱۳۹۷)، «مطالعه مؤلفه های هوش اخلاقی در پرتو اندیشه های امام علی (ع) در نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ششم، شماره ۲۴، ص ۵۱-۷۰.
- قمی، عباس (۱۳۷۲)، نگاهی بر زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ترجمه ای انوارالبهیه، ترجمه ای محمد محمدی اشتهازدی، قم، ناصر.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۷)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه المصطفی.
- الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳)، روضه الکافی، تحقیق: الشیخ محمد جواد الفقیه، بیروت، دار الاضواء.
- لطیفی، محمود (بی تا)، «عدالت اجتماعی در حکومت علوی»، دفتر دوم، ویژه نامه حکومت علوی، دوره ۵، شماره ۱۸.
- محمدی، مسلم (۱۳۹۴)، نوع دوستی در رفتار و گفتار علی (ع)، بازیابی شده از www.tabnak.ir
- محمدی ری شهری، محمد (بی تا)، میزان الحکمه، قم، نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، مجموعه آثار شهید مطهری، بی جا.



پایگاه استادی علوم جهان اسلام
کد مجوز: ۶۱۵۵-۶۸۲۰

مقالات پنجمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی آذر ۱۴۰۰



- میرزاپوری، جابر (۱۳۹۶)، «بررسی تاثیر دینداری اسلامی بر شکل‌گیری فرهنگ نوع‌دوستی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و سوم، شماره‌ی دوم (پیاپی ۱۱۳)، ص ۳۳-۵۶.
- نگارش، حمید و همکاران (۱۳۸۵)، فرهنگ شیعه، نشر زمزم هدایت.
- نگارش، حمید (۱۳۸۶)، «قرآن و ویژگی‌های جامعه اسلامی»، فصلنامه‌ی پیام، شماره‌ی ۸۷، ۱۰۴-۱۲۲.
- نهج‌البلاغه، شهیدی (۱۳۷۱)، جعفر، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- نوروزی، عین‌الله (۱۳۹۲)، نوع‌دوستی از دیدگاه اسلام، چاپ دوم، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- ویل‌دورانت (۱۳۷۲)، تاریخ‌تمدن، ترجمه‌ی احمد آرام، چاپ چهارم، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش‌های انقلاب اسلامی.